

واحد قم

**تعلیم و تربیت در دوران آل بویه**

علی احمدی

امیر عباس فرحناک

دانشجویان ارشد آموزش و پرورش تطبیقی

Aliahmadi0211@Gmail.com

A.A.FAR@mailfa.com

**استاد : جناب آقای دکتر حمید جعفریان یسار**

پاییز 1394

**چکیده:**

ظهور آل بویه در عرصه سیاست و تعلیم و تربیت تأثیرات فراوان و دراز مدتی در تحولات سیاسی وفکری ایران وجهان اسلام داشته است. روش تحقیق در این مقاله توصیفی و از نوع اسنادی می باشد و هدف از این مطالعه بررسی اوضاع اجتماعی-سیاسی وچگونگی به قدرت رسیدن آل بویه و روشهای حکومتی بوییان وجغرافیای ایران در این دوره بوده است و نیز به روشهای تعلیم و تربیت وصاحب نظران تعلیم و تربیت ایران و جهان اسلام در این دوره و روشهای درس گذاری اندیشمندانی چون فارابی و ابو علی سینا پرداخته شد. تأثیر بوییان بر پیشرفت علم و دانش ،کتاب وکتاب خانه ها نیز مورد بررسی قرار گرفته است. دانشمندان ، متکلمان ، محدثان (عالم به علم حدیث ) ، فقها ومفسران بزرگی چون شیخ طوسی ، شیخ مفید ، سیدرضی ، شیخ صدوق و ..... دردوران حکومت آل بویه تربیت یافتندوباتشکیل جلسه های مناظره به شبهه های کلامی وفقهی پاسخ دادند.

**کلید واژه ها :**تعلیم و تربیت،آل بویه،درس گذاری

 **مقدمه وبیان مسئله** :

با توجه به اهمیت تعلیم وتربیت که نقش عمده انتقال فرهنگی ازنسلی به نسل دیگر را به عهده دارد لازم است که میراث فرهنگی کشور مورد مطالعه قرار بگیردتا بتوان آن را پربارتر نمود. نظر به اینکه از راه تعلیم و تربیت می توان موجبات رشد فردی و رفاه جمعی را فراهم آورد این جریان در زندگی انسانی نقشی مهم دارد. (1)

علوم وفنون آموزش و پرورش فرهنگ وتمدن مشترک برای ساخت یک جامعه مترقی ضروری است و هیچ یک ازاین پدیده ها نمی توانند به تنهایی و بدون کمک یکدیگر به وجود آیند و هریک ساخته ومکمل یکدیگراست چون تعلیم وتربیت رابطه مستقیمی با زندگی فردی و اجتماعی مردم دارد بنابراین باید درحیات آنان جنبه واقعی وعملی پیدا کنددر واقع تعلیم وتربیت هم یک نوع فلسفه حیاتی است حتی مذهب وادبیات و فلسفه به معنی اعم نیز دارای این منظور و مقصود است که حیات فردی و اجتماعی شخص را پرمایه ترسازد.حفظ گسترش وارزشیابی میراث فرهنگی در ترقی و تحول وتکامل آموزش وپرورش کشور موثرباشد. که این تحقیق در نظر داردتاریخ تعلیم و تربیت را در دوره آل بویه مورد بررسی قرار دهد.

 **روش تحقیق**

این مطالعه،یک مطالعه توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی است . در این تحقیق از فن کتابخانه ای استفاده شده است . در روش مبتنی بر اسناد و ابزار عمومی آن یعنی کتابخانه ،پژوهشگران،ابتدا منابع چاپی را که در راستای موضوع تحقیق مطلب یا محتوایی داشته،شناسایی کردند. پس از شناسایی و دسته بندی ، مرحله فیش برداری انجام شد . در مرحله فیش برداری ،مطالب مورد نظر در فیش ها به دقت ثبت گردید . در مرحله بعد ، فیش ها دسته بندی شده، مطلب در یک طبقه بندی تنظیم و تدوین گردید.در نهایت ، مرحله اصلی یعنی نوشتن مقاله انجام گردید. پس نوشتن مقاله بازبینی های لازم انجام شد و مقاله به نوشتار به زیور طبع آراسته شد (2)

دويست سال پس از آن كه ابومسلم خراساني عراق عرب را فتح كرد، و متعاقب آن عباسيان خلافت را از چنگ امويان درآوردند، عنصر ايراني بار ديگر خلافت را مقهور قدرت خودساخت و موفق به فتح مركز خلافت عباسي شد. فاتحان جديد ديلميان، از شجاع ترين اقوام ايراني و منتسب به منطقه ديلم در كرانه جنوبي درياي خزر، بودند. آنان بعد اسال پز ورود اسلام به ايران مطيع دين جديد و نيز حكم رانان اسلامي نشدند و اطاعت خلافت اموي و عباسي را گردن ننهادند و در نهايت، توسط مخالفان خلافت، به آيين اسلام و مذهب تشيع درآمدند.نيمه اول قرن چهارم هجري قمري عصر ظهور سرداران ديلمي بود . ماكان كاكي،اسفاربن شيرويه، مرداويچ زياري، و برادران بويهي از معروف ترين جنگ سالاران ديلمي درآن مقطع به شمار مي رفتند كه هريك درصدد سلطه بر بخشي از جهان اسلام بودند آنان به تدريج به بازيگران اصلي عرصه قدرت در جهان اسلام تبديل شدند و حضورشان چنان پررنگ بود كه برخي مورخان از آن قرن به درستي با عنوان «ميان پرده ديلمي » نام مي برند. برادران بويهي از مهم ترين فرماندهان نظامي ديلمي بودند كه نه فقط موفق به تأسيس سلسله اي مستقل و ديرپا شدند، بلكه بغداد، مركز خلافت عباسي، را نيز به تصرف خود درآورند و موجوديت خلافت را تهديد كردند، تهديدي كه ابوريحان بيروني از آن به عنوان انتقال سلطنت از عباسيان به آل بويه نام مي برد. (3)

**پسران بویه پیش از فرمانروایی**

به هر حال ابو شجاع بویه با پسرانش که هیزم کشی و ماهیگیری در نواحی ساحلی گیلان نمی‏توانست آنها را خرسند سازد، ظاهراً در سال های جوش و خروش گیل و دیلم که ماکان و اسفار و مرد اویج بین خراسان و جرجان و ری در جستجوی قدرت، تلاش آغاز کرده بودند، به خدمات لشکری وارد شدند. خود او در این گونه خدمات به خراسان افتاد و ظاهراً از حدِ سپاهی ساده‏ای تجاوز نکرد. اما پسر بزرگش ابو الحسن علی بن بویه که بعدها از دوران خدمت خویش در سپاه نصر بن احمد امیر بخارا یاد می‏کند، ظاهراً در بین دسته دیلمان سپاه آل سامان موقعیت و مقامی به دست آورد. مع هذا، بعدها به همراه برادران کوچکتر خویش - حسن واحمد - که آنها نیز جزو سپاه آل سامان بودند، از سپاه بخارا به ملازمان ماکان کاکی که خود در آن زمان در خدمت آل سامان بود و در اختلاف ماکان و مرداویج از نزد ماکان به خدمت مرداویج درآمد و در ری به سر کردگی یکدسته از سپاهدیلم درآمد.چندی بعد از جانب مرداویج ولایت کرج به ابوالحسن علی بویه واگذار شد.او با برادرانش وارد کرج شد و با سخاوت ساده دلانه قسمتی از اموال و غنایمی که عایدش شد را صرف بخشش به سپاهیان کرد و آوازه ی این سخاوتش جنگجویان گیل و دیلم را به خدمت وی کشاند. در این بین مرداویج که بسط قدرت و تحکیم موضع پسر بویه در قلمرو محدود کرج موجب تحریک شدید حسادت و سوءظنش شده بود در صدد بر آمد او را از سر راه دور کند. علی از سوء قصدپسر زیار آگاهی یافت و با دویست سیصد تن به اصفهان حمله کرد و اصفهان را از دست چند هزار سپاهی منسوب به خلیفه بیرون آورد ظاهراً به الزام مرداویج و اجتناب از در گیری با او بعد از دو ماه توقف در اصفهان با چهار صد تن عزیمت فارس نمود و ابوبکر پسر یاقوت که در آنجا فروانروایی داشت از پیش اوگریخت و قلمرو حکومت او به دست پسر بویه افتاد(ذی الحجه 321 )و در جنگی که بایاقوت انجام داد شیراز به دست پسر بویه افتاد(جمادی الثانی 322)

ورود سپاه فاتح به شیراز ،به وجود آمدن دولت تازه ای را که دولت آل بویه خوانده شد اعلام کرد خلیفه الراضی بالله هم خلعت و لوای امارت فارس را در مقابل سالانه هشت میلیون درهم که پسر بویه تأ دیه آن را تعهد کرد برایش فرستاد(شوال 322).در این زمان در جنگ بین یاقوت ومرداویج اهوازبه دست مرداویج افتاد.علی بن بویه هم با وجود سپاه گیل و دیلم در اهواز برای قلمرو خود مایه ی تهدید یافت کوشید با مرداویج از در صلح آید با قتل ناگهانی مرداویج در اصفهان حسن بن بویه بر اصفهان تسلط یافت و احمدبن بویه با ملاحظه ضعف و فتور دستگاه خلافت بغداد و منازعات ویرانگر وپایان نا پذیر امراء ترک که عزل و نصب خلفا به دست آنها افتاده بود بالاخره اقدام به تسخیر بغداد کرد.خلیفه مستکفی که با ورود احمد بویه به بغداد ، از دست امراء ترک خویش خلاص شد بود. بیعت را با علاقه و خرسندی پذیرفت(جمادی الاخره 334). وی به امیر فاتح خلعت و عنوان امیرالامرائی با لقب معزالدله داد و برادر بزرگش ابوالحسن علی بن بویه را هم که خود امیر الامراء خاندان بویه و بزرگ بلامنازع آنها بود ، عماد الدوله لقب داد و برادر دیگرشان ابو علی حسن بن بویه را هم به رکن الوله ملقب کرد و القاب آنها بر سکه ها نیز ضرب شد و با خلعت و لواء برای آنها ارسال شد و در واقع اولاد بویه را به نحوی با خاندان عباس منسوب و مربوط نمود.

معز الدوله امیر الامراءجدید که در همان آغاز ورود به بغداد در صدد نقل خلافت از آل عباس به آل علی افتاد و تنها هشدار مشاورانش وی را از آن منصرف کرد ،بر تمام امور خلافت مسلط شد وبرای خلیفه که دست آموز و چشته خوار او گشت جز ذکری که در خطبه از او می شد تقریباً هیچ مزیتی باقی نگذاشت. چندی بعد هم به سبب سوءظنی که خلفا در این دوره صورت تشریفاتی ای بیش نبودند، با مقرری ای که از دولت می گرفتند و در آمد املاک اختصاصی خود زندگی می کردند و جز اقامه تشریفات مذهبی و رسمی و امضای فرمان ها کاری نداشتند . در ولایات سرکشان و غلبه جویان با هم زد و خورد داشتند و هر که بر جایی غلبه می یافت خلیفه او را به رسمیت می شناخت و با گرفتن مقداری هدیه خلعت و لواء و لقب برای او می فرستاد. (4)

**تبار خاندان بویه**

## در مورد تبار خاندان بویه در میان دانشمندان و تاریخنگاران دیدگاه‌های گوناگون وجود دارد، صائبی در کتاب تاجی آورده است که نسب بویه به بهرام گور منتهی می‌گردد و بعضی گفته‌اند که بویه از نسل دیلم بن ضبه بوده است و ابوعلی  مسکویه در کتاب تجارب الامم آورده است که پادشاهان آل بویه خود را از فرزندان یزدگرد پسر شهریار آخرین پادشاه ساسانی می‌دانند و می‌گویند که در آغاز تهاجم اعراب مسلمان بعضی از اولاد یزدگرد به گیلان رفته و درآنجا ساکن شدند. (5)

البته تردید در نسب آل بویه وجود دارد،مسلم است که بویه پدر و سه برادری که سلطنت آل بویه را تشکیل داده اند خود و به احتمال زیاد پدر و اجدادش و سه پسر او در نهایت تنگدستی و گمنامی می زیستند و ارتزاقشان از راه ماهیگیری بوده است معز الدوله خود و شاید بعضی دیگراز آل بویه عصامی (به نفس خود ببالد) بوده اند. نه عظامی(به مفاخر پدران ببالد)عضدالدوله که مردی جاه طلب بود اقداماتی کرد تا برای او نسب ساخته شود . دو تن از نویسندگان معروف هم درباره این نسب ها تردید و بلکه آن را رد کرده اند .یکی ابوریحان بیرونی است که گفته است هر کس به راه افراط و تفریط رود و جانب اعتدال را رعایت کند در می یابد که نخستین کسی که از قبیله (بویه)شناخته شده است پسر بویه فنا خسرو است که در میان این قبایل حفظ انساب معمول نبوده است و قبل از انتقال سلطنت به آنان چنین نسبی برای ایشان شنیده نشده است. و دیگری ابن خلدون است که نخست گفته است :ابو شجاع بویه ی پدر آن سه تن سلاطین اولیه از رجال دیلم بوده ،سپس به نسب آنها اشاره کرد و آن را ساختگی دانسته است (6).

## پادشاهان آل بویه و دیالمه

## عمادالدوله علی پسر بویه(320-338) در فارس

## رکن الدوله حسن پسر بویه(320-366)در تمام عراق عجم و کرمانشاه

## معزالدوله احمد پسر بویه(320-356)در عراق و خوزستان وفارس و کرمان

## عزالدوله بختیار پسر احمد(356-367)در عراق و خوزستان و فارس و کرمان

## عضدالدوله ابوشجاع فنا خسرو پسررکن الدوله حسن پسربویه(367-372)عراق خوزستان فارس

## مؤیدالدوله ابومنصور بویه پسر رکن الدوله حسن پسر بویه(366-373)در اصفهان و طبرستان

## فخرالدوله ابوالحسن علی پسر رکن الدوله حسن پسر بویه(366-387) در همدان و ری

شمس الدوله ابو طاهر پسر فخر الدوله ابوالحسن علی (387-412)در همدان

سماءالدوله ابوالحسن پسر شمس الدوله ابو طاهر(412-414) در همدان

## شرف الدوله ابوالفوارس شیرزیل پسر عضدالدوله (373-379) درعراق خوزستان و فارس

## صمصام الدوله ابوکالیجار مرزبان پسر عضدالدوله ابوشجاع فنا خسرو(379-388) فارس

## بهاالدوله ابونصر پسر عضدالدوله ابو شجاع فنا خسرو(388-403) در فارس

## مجدالدوله الوطالب رستم پسر فخرالدوله(387-420)در ری

قوام الدوله ابوافوارس پسر بها الدوله(391-407)در کرمان

سلطان الدوله ابو شجَاع پسربهاالدوله ابونصر(403-412) درعراق و خوزستان، فارس و کرمانشاه

## شرف الدوله ابوعلی پسر بها الدوله ابو منصور(412-416) فقط در عراق

## ابوکالیجار مرزبان پسر سلطان الدوله(430-440)در عراق و خوزستان و فارس و کرمان

## جلال الدوله ابوطاهر پسربهاالدوله(416-435) در عراق فقط

## ابونصرخسروفیروز پسر ابوکالیجار(440-447)در عراق

ابومنصورفولاذستون پسر ابوکالیجار**(440-448)در کرمان .** (7)

## اوضاع اداری

بوییان که تجربه چندانی در حکومت داری نداشتند ، دولت خود را بیشتر با روش دولت عباسی اداره می کردند . بنابراین اصلاحات چندانی در نظام اداری پدید نیامد.

**وزیر:**

وزرای عهد بوییان اکثراً از افراد دانشمند زمانه خود بودند که توسط حاکمان آل بویه به منصب وزارت رسیدند . تاثیر اعمال وزرا در هر شاخه از حکمرانان آل بویه متفاوت بود . در شاخه بوییان جبال به دلیل آرامش منطقه و حضور وزرای دانشمند علم پیشرفت کرد و در شاخه بوییان فارس و خوزستان و عراق اختلافات داخلی و فروش مقام وزارت دردسر ساز بود.حاکمان آل بویه بعد از عهد عضد الدوله دو وزیر داشتند . یکی وزیر شیراز و یکی وزیر بغداد . اهمیت هر دوی این شهرها و تمایل عضد الدوله برای حفظ شیراز به عنوان پایتخت دلایل اصلی این امر بودند. (7)در آن زمان دو نوع وزارت بود.یکی وزارت تفویض و دیگری وزارت تنفیذ.وزیر تفویض مقامش از وزیر تنفیذ بالاتر بود زیرا می توانست با رأی و تدبیر خود به انجام کارها بپردازد و باید مسلمان وآزاد باشد؛ در حالی که وزیر تنفیذ حق نداشت امور را با فکرورأی خود انجام دهد، بلکه واسطه میان سلطان و مردم بود . این وزیر ممکن بود اهل ذمه یا غیر آزاد باشد. (8)

**دیوان ها:**

دیوان ها در عهد بوییان بدون برنامه ریزی عمل می کردند و تغییر سریع و مکرر کارکنان از جمله خصوصیات دیوان ها در عهد بوییان بود . رییس دیوان های حکومتی صاحب الدیوان نام داشت. که بیشتر به عنوان نایب وزیر شناخته می شد.

**دیوان های عهد بوییان**

دیوان خراج : رسیدگی به عواید ایالات بود

دیوان هزینه : رسیدگی به خرج دربار ، امور مربوط به خزانه سلطنتی و ضرب سکه

دیوان رسایل : صدور دستورهای حکومتی و برقراری ارتباطات داخلی و خارجی

دیوان برید : خبر رسانی و بر قراری ارتباط

دیوان قضا : امور قضایی و رسیدگی به اختلافات و دعاوی مردم

دیوان سواد : دیوانی برای رسیدگی به اوضاع مناطق بین دجله و فرات

دیوان سپاه : امور نظامی و جنگ (7)

**اوضاع دینی و مذهبی**

حاکمان آل بویه با اینکه خود شیعه مذهب بودند و ترویج شیعه را وظیفه ی خود می دانستند طرفدار وحدت و اتحاد مسلمین بودند.حکومت شیعی مذهب آل بویه ، با تمامی ادیان و مذاهب موجود که در چارچوب شریعت اسلامی فعالیت می کردند، مدارا داشته و از توانایی آنان در امور حکومتی استفاده می نمودند و با اجازه ی فعالیت های دینی و مذهبی به آن ها، زمینه ی رشد فرهنگی را برای همه ی گروه ها بوجود آوردند به طوری که عصر زرین فرهنگ و تمدن اسلامی در دوره ی آل بویه تحقق یافت.در عراق شهر های کربلا و نجف و حله و بصره از مراکز عمده پیروان مذهب تشیع بوده است (6).

در بغداد «براثا» محله ای نزدیک محله کرخ بغداد بود و مسجدی به همین نام داشت که از آن شیعیان بود و در آن جا نماز می گذاردند. مردم کوفه بجز محله ی کناسه که سنی بودند .همگی شیعه بودند .در شهر بصره نیز تعداد زیادی شیعه وجود داشته است.در ایران نیمی از اهواز و تمامی مردم قم و کاشان شیعه بودند. اما مقدسی مذهب مردم قم را شیعه غالی می داند. وی همچنین بیان می دارد که شیعیان گرگان و طبرستان آوازه ای دارند. در شهر ری نیز تعداد زیادی شیعه وجود داشته است. قاضی عبد الجبار همدانی معتزلی رئیس معتزله در یکی از کتاب های خود از گسترش شیعه در دیلم و بحرین و شام و آذربایجان سخن گفته و تصریح کرده که حاکمان این مناطق همگی از یاران امامت و شیعه بوده اند.

با بررسی مذاهب شیعه و اهل سنت در قلمرو آل بویه می توان گفت در شرق قلمرو اسلامی جز شهرهای قم و کاشان و ری دربقیه نقاط گر چه شیعه وجود داشته،امابه هرحال غلبه باگروه های فقهی و کلامی اهل سنت بوده است. اقلیت های دینی غیر مسلمان مانند یهودیان ومسیحیان و زردشتیان و صائبیان در عصر آل بویه از زندگی مطلوبی برخوردار بودند و در اجرای مراسم دینی خود آزاد بودند. (9)

**سوگواری در روز عاشورا**

نخستین بار در عاشورای 352 ق به دستور معزالدوله مردم گرد یکدیگر آمدند و اظهار حزن کردند. بازار ها بسته شد خرید و فروش موقوف گردید. مردم آب ننوشیدند و در بازار ها خیمه بر پا کردند و به رسم آن زمان پلاس آویختند. زنان بر سر وروی خود زدند و بر امام حسین (ع) ندبه کردند.در سال (363 ق) نشانه هایی از شبیه در آوردن در آن زمان وجود داشت (6).

**جشن در روز عید غدیر خم**

در هجدهم ذی الحجه (352ق)به دستور معزالدوله مراسم مربوط به عید غدیر خم و برپا داشتن جشن و سرور و چراغانی و آذین بندی آغاز شد (6).همدانی در ضمن وقایع سال 352 گفته است:در شب پنجشنبه هجدهم ذی الحجه که شیعه آن روز را روز «غدیر» می نامند، در بازار ها آتش افروختند (آتش بازی کردن) در آن شب ،همانطور که در شب های عید مرسوم است ، دکان ها تا صبح باز بود ، نوبت چیان طبل و شیپور می زدند. بامدادان شیعه به مقابر قریش (کاظمین فعلی) رفتند و نماز عید بجا آوردند.

**اقدامات آل بویه برای آبادانی**

آل بویه به آبادانی و شهر سازی و عمارت و ابنیه هم علاقه ای نشان دادند که بعضی از آنها هنوز خاطره ی دوران امارت ایشان را زنده می دارد.ساخت قلعه تبرک در اصفهان و قلعه ری و در فارس قلعه ی کوهستانی قهندز و پل ها را تجدید نمودند. عضدالدوله در فارس سدی عظیم به وجود آورد که شاهکاری بی مانند تلقی می شد. بیمارستان عضدی که در شیراز و بغداد بنا کرد چنان اهمیتی داشت که دیگر ابنیه را تحت تأثیر قرار داده است (10). همان گونه كه منابع مختلف تاريخي اذعان دارند؛ عضدالدوله در كارهاي عمراني اهتمام فراواني نمود و بيمارستان هاي زيادي در شهرهاي مختلف (همچون بيمارستان اصفهان و بيمارستان عضدي فارس ) بر پا كرد. (11)

**صفات آل بویه**

در اینجا مقصود از آل بویه سلاطین اولیه که اساس این حکومت را برپا کردند.یکی از صفات بارز آن ها اطاعت محض و فرمانبرداری کامل و احترام زیاد کوچکتر ها نسبت به بزرگترها بود . حتی در زمان سلطنت در مقابل پدر و برادر بزرگتر خود با نهایت خضوع و خشوع رفتار می کردند در حضور آنان نمی نشستند بلکه می ایستادند و دست بر سینه می نهادند و به گاهی به خاک می افتادند و زمین را می بوسیدند.

دیگر، حسن سیاست و خوش رفتاری با مردم بود .آنان دشمنان را عفو می کردند و اسیران را آزاد می کردند.با این حال به گونه ای بر اصول مسلط بودند که کسی را یارای کمترین سر پیچی از دستورات آنان را نداشتند.

دیگر،دقت در امور مالی و ذخیره نهادن برای روز های ناداری بود. آنان بی دلیل به کسی پول نمی دادند وبی مورد خرج نمی کردند.

**تحصیلات و معلومات عضدالدوله**

عضدالدوله از درایت و شایستگی بسیاری برخوردار بوده است و به علم و علما توجه خاصی داشت از این رو بسیاری از مورخان او را ستوده اند . سیوطی او را در اعداد علمای نحو قرار داده است.

معلومات او بسیار متنوع بوده است و از بهترین معلمان عصر خود بهره کافی برده بود.در علم نحو ابو علی فارسی،در حل زیج شریف ابن الاعلم و در شناخت ستارگان ثابت و مواضع آنان ابوالحسین صوفی ،در علم کشور داری ابوالفضل بن العمید.به اندازه ای به مسائل ریاضی و هندسی علاقه داشت که برای حل آنها مبالغی گزاف نذر می کرد. عضد الدوله هم شعر شناس بود و هم خود شعر می سرود . او به شعر های عربی و فارسی و دیلمی علاقه داشت.

**کیفیت تحصیل ووضع علماوادبا :**

مکتب : ازنظرقدما چهارسالگی سن تربیت وهفت سالگی سن تعلیم است . بنابراین چون سن کودک به هفت سال می رسیداورابه مکتب می فرستادند. مکتب اتاقکی بودکه درجنب مسجدیابازاروبه ندرت در محلهای دیگرتشکیل می شد . معلم یامکتبداربایدصالح وعفیف وحافظ قرآن وخوش خط بوده ، حساب میدانست . مکتب درآن زمان ، دارای دومرحله بود: 1- برای تعلیم خط واحیانا تعلیم حساب وصرف ونحو ، که به این مرحله (کتاب) هم گفته میشد. 2-برای یاددادن قرآن وحفظ کردن آن که کودکان طبق استعدادخود ، هرروزقسمتی ازآن را به خاطرمیسپردند.یاددادن خط را تکتیب ویاددادن قرآن را تلقین وکسی که قرآن را یادمیداد ملقن می نامیدند . درآن دوره دروس ریاضیات ، هندسه ، هیات ، نجوم ، سیاست ، مملکت داری نیزآموخته می شد .

**درس خصوصی :**

خلفا وسلاطین ووزیران واعیان معمولابرای فرزندان خودمعلم خصوصی انتخاب میکردند . این گونه معلمان بادقتی خاص وعموماازمیان ادباوفضلای بزرگ انتخاب میشدند . گاهی خانه ای هم دراختیارمعلم خصوصی گذاشته می شد .

**حق التدریس :**

پاره ای ازافرادمعمولی وکم بضاعت برای گرفتن رشته ای ازعلم وادب معلم خصوصی میگرفتند وحق التدریس می پرداختند .

**توجه به حال کودکان :**

بااینکه پاره ای ازنویسندگان معروف قرن چهارم جمله هایی تحقیرآمیزدرباره کودکان گفته وآنهاراناچیزشمرده اند ، علمای اخلاق وعلم النفس واطبای بزرگ به تربیت کودکان ازلحاظ جسمی وروانی واخلاقی سخن گفته وتوجهی راکه هنگام تولدوشیرخوارگی تارسیدن به سن تربیت وتاحدجوانی بایدبه اومبذول گردد ، بیان داشته اند . ازجمله ابن سینادرکتاب قانون ، وظایفی که والدین نسبت به کودک دارند، اهمیت تغذیه ازشیرمادر ، صفات وشرایطی که باید دردایه وجودداشته باشد ، بیماری هایی که عارض اطفال میشودوطرزدرمان آنهابیان داشته است . علاوه براین ابوعلی مسکویه درکتاب الطهاره وپس ازاوغزالی درکتاب احیاء علوم الدین به این مهم پرداخته اند . دیگرازنشانه های توجه به کودک درآن عصرتهیه اسباب بازی برای آنان است . دربغدادبازاری مخصوص فروش اسباب بازی وجودداشته ودرایام عید تصویرحیوانات وشمشیروسپرچوبین وشیپورسفالین به عنوان اسباب بازی دربازارها فروخته می شده است .

**کتاب وکتابخانه :**

عصرآل بویه ازنظرکتاب وکتابخانه هم نسبت به عصرهای دیگرامتیازداشت . درآن زمان ، مبرزترین دانشمندان ، بهترین ونفیسترین کتاب هارا درهررشته ازعلم وادب به رشته تحریردرآوردند . کتابخانه هایی درایران وعراق تاسیس شد ، ازجمله کتابخانه عضدالدوله درشیرازوکتابخانه وکتابخانه خلفای فاطمی درقاهره . محل کتابخانه بنایی طولانی است که درهرطرف آن مخزن هایی قراردارد. کتابهای مربوط به هرعلم وفنی ، درحجره ای جداگانه نهاده شده است که فهرست هایی ترتیب داده اند که نام هرکتاب درآنهاثبت شده است . کتابخانه های معروف آن زمان به اختصارعبارتنداز : کتابخانه صاحب ابن عباد ، کتابخانه ابوالفضل بن العمید ، کتابخانه جبشی پسرمعزالدوله ، کتابخانه ابومنصور ، وزیرابوکالیجار وکتابخانه شاپور ، پسراردشیروزیربهاء الدوله به نام دارالعلم . اهمیت وارزش کتابخانه های آن عصرازاین امرمعلوم میشودکه درآن وقت هنوزصنعت چاپ اختراع نشده بودوکتاب ها بادست نوشته میشد . وکسانی به نام وراق بودند که شغلشان نسخه برداری ازکتابها بود . بیشترمتمکنان واعیان واشراف قدرت تهیه کتاب راداشتند . درحالی که طلاب علوم عموما مردمانی بی بضاعت بودند . استادان بزرگ درآن عصربرای سهولت کارطلاب درس را املاء می کردندوآنان مینوشتند . واین نوشته به نام آمالی شهرت داشت .

**ورزش** :

درآن عصردونوع ورزش معمول بوده است : یکی ورزشهایی برای نیرومندی تن ونشاط روح که گاه برای تفنن یانمایش انجام می یافته وموردعلاقه جمع کثیری ازطبقات مردم بوده است ودیگری ورزشهای سبک که ازطرف پزشکان باتوجه به سن ووضع بدنی افراد توصیه می شد .ورزشهای نوع اول عبارت بود از : گوی وچوگان ، کشتی ، شنا، دو ، وزنه برداری ، شمشیربازی ، اسب دوانی ونوع دوم انواع کشتی ، راهپیمایی وتندروی ، تیراندازی وزوبین افکنی ، جست وخیزبادوپا ، برروی دو پا ایستادن وحرکات دست ، شمشیربازی ونیزه بازی ، ورزشهایی برای تقویت سینه واعضای تنفسی

**صاحب نظران تعلیم وتربیت درآن دوره :**

ازصاحبنظران ودانشمندان آن دوره میتوان به نام های شیخ مفید ، فارابی ، شیخ طوسی ، ناصرخسرو ، غزالی ، مسکویه ، ابن الندیم ، شیخ صدوق ، ابوریحان بیرونی ، ابن العمید ، سیدرضی ، ابوعلی سینا و .... اشاره کرد که الگوهای درس گذاری بعضی ازآنهارابه طور مختصربیان می نماییم .

**الگوهای درس گذاری فارابی : (257تا339ق)**

نخست بایدچیزهایی رابررسی کردویادگرفت که فهم آن آسانتراست وکمترپریشانی واشتباه فکری ایجادمیکندوآن ازجنس اعدادوکمیات است . پس ازحساب اعداد ، نوبت مقادیرمتصل (هندسه ) است وسپس هرچیزکه ذاتابستگی داردبه عددومقدار، همچون علم مناظرومقادیردرحال حرکت که اجرام فلکی هستندونیزموسیقی وبحث دراوزان واثقال وعلم الحیل (فیزیک ومکانیک ).

**الگوهای درس گذاری ابن سینا : (370تا428ق).**

منظورازآموزش کودک پنج چیزاست :ایمان ، اخلاق نیکو ، تندرستی ،سواد ، هنروپیشه . درمکتب ، کودک را نبایدتنهاگذاشت که ملول ودلتنگ گردد ، بلکه بایدبااطفال خانواده های نجیب محشورنمودتادرتحصیل بین آنان رقابت ایجادشودوازیکدیگرنیزآداب نیکوفراگیرند . برنامه تحصیل طفل درمکتب بایدموادی چون قرآن ، شرعیات ، زبان ، شعرهایی که متضمن وهرچه برای آموختن هنروپیشه ضرورت دارد ،راشامل شود . تا 14 سالگی ، نبایدتمام اوقات طفل صرف تحصیل شود ، بلکه باید قسمتی نیزصرف ورزشهایی مانندراه پیمایی ، پرش ، توپ بازی ، طناب بازی ، دو ، کشتی ، اسب سواری وشمشیربازی شود . معلم بایدطفل رابسنجدوطبع وقریحه اورابسنجدوهوش اورابیازمایدتابتواندهنروپیشه ای متناسب با استعدادوذکاوت او ، برایش انتخاب کند . تعلیم برحسب اقتضاء ، بایدبه یکی ازانواع شش گانه زیرانجام شود : 1- تعلیم ذهنی 2-تعلیم صناعی 3- تعلیم تلقینی 4- تعلیم تادیبی 5- تعلیم تقلیدی 6- تعلیم تنبیهی

**الگوهای درس گذاری غزالی : (450 تا 505ق)**

معرفت به حقیقت عنوان مسلمانی چهارمعرفت است : اول شناخت معرفت نفس خویش دوم شناخت حقیقت حق تعالی سوم شناخت حقیقت دنیا چهارم شناختن حقیقت آخرت وچون گوهرآدمی دراول آفرینش ناقص وخسیس است ممکن نگرددوی راازاین نقصان به درجه کمال رساندن الابه مجاهدت ومعالجت ومنظورازکیمیا، کیمیای سعادت آن است که هرچه مینماید(وآن صفات نقص است ) پاک وبرهنه شودوبه هرچه میبباید(وآن صفات کمال است) آراسته گرددوسرجمله ی این کیمیاآنست که روی ازدنیابگرداندوبه خدای تعالی آرد .

**نتیجه گیری**:

دوران حکومت آل بویه عصرپیشرفت علم وادب بود . حاکمان آل بویه علاقه خاصی به اهل علم داشتندوبه خصوص ازشعراوعلمای حکمت استقبال می کردند . مهمترین دستاوردهای این دوران درزمینه نجوم ، پزشکی ، وریاضیات بود . دوره آل بویه دوره درخشش علمی وفرهنگی ایران وجهان اسلام است .این خاندان شیعی ایرانی نقش مهمی درحفظ وگسترش میراث حدیثی ، فقهی وکلامی شیعه درایران وعراق ایفاکردوبه تحکیم پایه هاومبانی تشیع امامیه وترویج آن پرداخت . دانشمندان ، متکلمان ، محدثان (عالم به علم حدیث ) ، فقها ومفسران بزرگی چون شیخ طوسی ، شیخ مفید ، سیدرضی ، شیخ صدوق و ..... دردوران حکومت آل بویه تربیت یافتندوباتشکیل جلسه های مناظره به شبهه های کلامی وفقهی پاسخ دادند . آل بویه دردوران حکومت خودباتاسیس مراکزعلمی ، کتابخانه ها وبیمارستانها بویژه درشیرازوبغداداقدام کردوبرای تسلط بیشتربراوضاع قلمروخلافت وترویج تشیع اقدامات اجتماعی وفرهنگی درخورتوجهی انجام داد . درزمان آل بویه ،قبورائمه ی شیعه موردتوجه قرارگرفت . مشاهدکاظمین ، کربلا ، نجف رابازسازی کردوبرای ترویج سنت زیارت به اهداء نذورات ، موقوفات وایجادتسهیلات برای زائرین پرداخت . اقدام دیگرآل بویه ، برگزاری جشن عیدغدیربودکه همراه بودبابرگزاری نمازعیدوآذین بندی شهرکه هرساله برگزارمیشد . علاوه براین سوگواری عاشوراومحرم را درقالب مقتل خوانی ومرثیه خوانی وتشکیل دسته های عزاداری باپوشش سیاه راپایه گذاری کرد . بافت پارچه های ابریشمی وزربافت وقالی وقالیچه های گران بهاوساخت مصنوعات فلزی وسفالین نیزهمراه باتجارتی پررونق ومبادلات حواله ای وصرافی (بانکی) نیزدراین زمان رواجی قابل ملاحظه داشت . درعرصه ی شعروادب نیزبارگاه شاهان آل بویه با اقبال شاعران ونویسندگان مشهورشد .

منابع و ماخذ:

1. **شریعتمداری, علی.** *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت.* تهران : انتشارات امیرکبیر, 1364.

2. **جعفریان یسار, حمید.** *معلم متعهد و متخصص دانشگاه فرهنگیان در آیینه اسناد و منابع.*

3. *جایگاه آل بریدی در مناسبات سیاسی آل بویه و خلافت عباسی پیش از فتح بغداد(328-334ق).* **آبادی،فاطمه, قاسم پور،داوود و اروجی نیک.** سال پنجم، شمارة دوم، پاييز و زمستان 1393, جستارهاي تاريخي، پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي, ص. 97 - 81 .

4. **فیاض ، علی اکبر.** *تاریخ اسلام.* تهران : موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران, 1380.

5. **اهورایی.** سلسله های حکومتی ایران. *http://ahouraei.mihanblog.com/post/11.* [درون خطي] سه شنبه مرداد 1385.

6. **فقیهی، علی اصغر.** *تاریخ آل بویه.* تهران : سازمان مطالعه وتدوین....(سمت), 1378.

7. **ویکی‌پدیا.** آل بویه. *https://fa.wikipedia.org/wiki/.* [درون خطي]

8. **،قادری, حاتم.** *اندیشه های سیاسی در اسلام و ایران.* تهران : سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها(سمت), 1379. ص. 81.

9. *مدارای دینی و مذهبی در عصر آل بویه.* **،ناصر, مفتخری،حسین و بارانی،محمد رضا وانطیقه چی.** بهار 1391 شماره 6, فصلنامه پژوهشی تاریخ و تمدن اسلامی, ص. 79تا100.

10. **زرین کوب ،عبدالحسین.** *تاریخ مردم ایران.* تهران : امیر کبیر, 1367.

11. *تشکیلات داخلی بیمارستان های آل بویه(عضدی).* **کاویانی پویا ، حمید وطیبی, محمد.** مكان نشر نامشخص : فصلنامه تاريخ پزشكي, پاییز 1389.